

یادداشت سردیر

بازار سرمایه ایران در مقایسه با بازار سرمایه سایر کشورها بخصوص کشورهای صنعتی، بازار کوچک و توسعه نیافته می باشد. برای اینکه زمینه توسعه بازار سرمایه فراهم گردد ضروری است که اقدامات اساسی بشرح زیر صورت گیرد:

۱- تدوین قانون جامع بازار سرمایه ،

۲- ایجاد نهادهای مالی مورد نیاز جهت توسعه بازار سرمایه ،

۳- طراحی ساختار مناسب بازار سرمایه و ایجاد سازمان نظارت کننده بر بازار سرمایه.

در رابطه با تدوین قانون جامع بازار سرمایه هدف قانون باید ایجاد شفافیت اطلاعاتی در بازار سرمایه باشد. به عبارت دیگر قانون باید کلیه شرکتهایی که قصد انتشار و فروش عمومی اوراق بهادار را دارند ملزم نماید که اطلاعات کافی و دقیق در مورد اینکه چه میزان سرمایه می خواهند تهیه کنند و ویژگیهای ریسک و بازدهی طرح سرمایه گذاری چه می باشد را در اختیار متقاضیان خرید اوراق بهادار قرار دهند تا آنها قادر باشند تصمیم سنجیده در مورد سرمایه گذاری در این اوراق را بگیرند. به طور خلاصه هدف از این قسمت قانون، ایجاد شفافیت اطلاعاتی در بازار اولیه سرمایه می باشد. هدف قسمت دوم قانون باید ایجاد شفافیت اطلاعاتی در بازار ثانویه سرمایه باشد. با توجه به اینکه نقل و انتقال اوراق بهادار در بازار ثانویه صورت می گیرد، شرکتها باید ملزم گردند که اطلاعات دوره ای که نشان دهنده آخرین وضعیت سود و زیان و دارایی و بدهی آنهاست را به سرمایه گذاران ارائه دهند تا آنها قادر باشند قیمت عادلانه اوراق را با توجه به ارزش ذاتی آنها تعیین کنند. قانون گذار همچنین باید مقررات لازم برای انجام صحیح معاملات چه در بورس و چه در خارج از بورس اوراق بهادار را تهیه و تدوین کند. در اینجا هدف قانون گذار باید حمایت از منافع سرمایه گذاران بخصوص سرمایه گذاران جزء باشد تا منافع آنها بخاطر تبانی و زدوبند گروه های با نفوذ در بازار از بین نرود.

در رابطه با ایجاد نهادها و مؤسسات مالی یاری دهنده بازار سرمایه باید توجه کنیم که بدون وجود مؤسسات مالی تخصصی که هر کدام وظیفه خاصی را در بازار سرمایه بر عهده دارند، بازار سرمایه

نخواهد توانست رسالت خود که همانا تجهیز و هدایت بهینه سرمایه از اشخاص دارای پس انداز اضافی به واحدهای محتاج به سرمایه را انجام دهد. مؤسسات مهم در بازار سرمایه عبارتند از بانکهای تجاری و تخصصی، مؤسسات پس انداز و مسکن، مؤسسات اعتباری غیربانکی، تعاونیهای اعتباری، شرکتیهای بیمه، صندوقهای بازنشستگی، بانکهای سرمایه گذاری، مؤسسات امین، شرکتیهای سرمایه گذاری، صندوقهای مشترک سرمایه گذاری، مؤسسات تعیین کننده رتبه ریسک اوراق بهادار، بازارسازها، مؤسسات کارگزاری، شرکتیهای تأمین مالی، بنگاههای تنزیل اوراق بهادار و ...

بررسی اجمالی نهادهای فوق مشخص می سازد که در بازار سرمایه ایران بسیاری از این مؤسسات مالی حضور ندارند و همین امر باعث گردیده که بازار سرمایه ایران در حد محدودی به فعالیت خود ادامه دهد و از آن مهمتر اینکه فعالیت فعلی آن همراه با اشکالات فراوان می باشد. به عنوان مثال نبود مؤسسات بازارساز در بورس اوراق بهادار تهران باعث گردیده که نوسانات قیمت سهام بیشتر از حد معمول باشد و قیمتها به سرعت به ارزش ذاتی خود نزدیک نگردند. همچنین نبود بانکهای سرمایه گذاری، مؤسسات تضمین کننده فروش اوراق بهادار، مؤسسات امین، مؤسسات تعیین کننده درجه ریسک اوراق بهادار موجب گردیده که تأمین مالی از طریق فروش اوراق بهادار در بازار اولیه سرمایه مشکل باشد.

سرانجام اشکال مهم دیگر بازار سرمایه ایران ساختار نامناسب آن و نبود سازمان نظارت کننده بر آن می باشد. در حال حاضر سازمان بورس اوراق بهادار تهران زیر نظر بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران فعالیت می کند و با توجه به اینکه هدف اصلی بانک مرکزی تعیین سیاستهای پولی و نظارت بر بانکها و کنترل نرخ ارز می باشد، لذا نظارت بر بازار سرمایه و بورس اوراق بهادار در اولویت دوم قرار می گیرد. در اکثر کشورهای دنیا نظارت بر بازار سرمایه به سازمان جداگانه ای بنام سازمان نظارت بر بازار سرمایه (یا هیأت نظارت بر بورس و اوراق بهادار) که زیر نظر وزارت امور اقتصادی و دارایی انجام وظیفه می کند سپرده شده و طبق قانون اختیارات وسیعی به این سازمان در زمینه نظارت بر بازار اولیه سرمایه و بازار ثانویه سرمایه واگذار گردیده است.

بنابر این وقت آن رسیده است که در ایران نیز مطالعات وسیعی در زمینه های فوق الذکر صورت گیرد و لوایح قانونی تدوین و سیاستهای جدید در زمینه اجازه فعالیت مؤسسات مالی مورد نیاز اتخاذ گردد.